



معرفی علمی و آکادمیک؛ اولویت اول در تبلیغ اسلام در اروپا

گفت‌وگو با

حجت‌الاسلام والمسلمین رضائی،
رئیس مرکز اسلامی هامبورگ

یعنی الان روز به روز که جلوتر می‌رویم بسترها و زمینه‌ها آنقدر گسترش پیدا کرده که نمی‌توانند آن را محو کنند و خواه ناخواه در مجامع و مجالس مراکز، حالا چه مراکز اسلامی و چه مراکز علمی و آکادمیک بحث‌هایی به وجود آمده که آنها نمی‌توانند این اسلام را محدود کنند. به نظر من حتی در بعضی از توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که دارند اگرچه ممکن است بر حسب ظاهر یک نوع تهدید باشد، ولی همین خودش یک فرصت برای مسلمانان شده است؛ مثلاً نسبت به پیغمبر اسلام (ص) اهانت می‌کنند، همین خودش یک فرصت شده برای مسلمانان که موضع بگیرند، تظاهرات کنند، اجتماعاتی داشته باشند و در جاهای مختلف مباحث علمی داشته باشند و از زوایای گوناگون شخصیت پیامبر اسلام (ص) برای دیگران معرفی شود، در حالی که قبلاً این زمینه‌ها به این شکل فراهم نبود و لذا برخی معتقدند در عین حال که این شرایط به گونه‌ای توطئه و یک تهدیدی به شمار می‌آید، ولی از سوی دیگر، می‌تواند یک فرصت طلایی برای مسلمانان، دانشمندان و نخبگان باشد که بتوانند در چنین زمینه‌ای اسلام را به خوبی و با جامعیتش معرفی کنند و لذا به نظر می‌رسد با این سلسله عوامل و عللی که حالا یا خودمان به وجود می‌آوریم یا دشمنان، یک تحول جدی جهانی در اسلام‌گرایی به معنای واقعی کلمه به وجود آمده است؛ علی‌رغم میل دشمنان اسلام، این اتفاق بوجود آمده و به نظرم این حرکت یک حرکتی مبارک خواهد بود و برای نظام بین‌المللی و مدیریت جهانی حضرت مهدی (عج) می‌تواند یک زمینه‌سازی خوبی را فراهم سازد.

آلمان هم که ایالتی و فدرالی اداره می‌شود، مسلمانان حضور پیدا کرده‌اند و لذا به لحاظ کمیت درصد مسلمانان در حال افزایش است. آمارهای مراکز مهم اروپایی، از جمله یکی از مراکز آمارهای فرانسه ارائه داده، این است که بعد از بیست سال جمعیت خیلی نسبت به آن چیزی که هست بالا خواهد بود و حتی من در چند ماه گذشته آمارهای دقیقی در اختیار داشتم که آمارهای قابل اعتنائی است. از لحاظ کیفی هم، به هر حال پس از انقلاب اسلامی دنبال این هستند که اسلام را به معنای جامع کلمه درک کنند، یعنی بحث جامعیت اسلام از جنبه‌های فردی، اجتماعی، ظاهری و باطنی و در حقیقت به مباحث معرفتی بیشتر ورود می‌کنند و این علاقه هم بیشتر ایجاد شده که نسبت به اسلام شناخت پیدا کنند. چون معرفی و تفسیر اسلام خیلی مهم است که چه نوع تلقی و تفسیری از اسلام داشته باشیم. در بخش کیفی نیز بشر امروز و جامعه امروزی مسلمانان دنبال اسلامی هستند که بتواند سؤال‌ها و نیازها و خواسته‌های آنها را در ابعاد مختلف بشری پاسخ‌گو باشد؛ همان طوری که به بحث‌های تجربی، فردی و مسائل روحی و درونی توجه می‌کنند، به مسائل بیرونی، اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاقی نسبت به آنها هم موضع بگیرد. و لذا الان در دنیا کنفرانس‌هایی در بحث اسلام‌شناسی و در بعضی جاها شیعه‌شناسی تشکیل می‌شود و دیالوگ‌هایی که میان نخبگان و دانشمندان و دانشجویان در مجامع و مجالس وجود دارد. در واقع آنها دنبال یک رویکرد جامع از اسلام هستند البته برخی از دولت مردان غربی درصدد هستند یک تفسیر خشنی از اسلام ارائه دهند و رسانه‌های غربی بسیج شده‌اند تا چنین تفسیری را ارائه دهند، ولی خیلی موفق نبودند.

جناب‌عالی به عنوان رئیس یک مرکز مهم اسلامی، رشد اسلام را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جای هیچ شکمی نیست که پس از انقلاب اسلامی یک جنبش دینی اسلامی در جامعه بین‌الملل رخ داد. البته این جنبش نه فقط مخصوص مسلمانان، بلکه به مسیحیت و حتی یهودیت هم سرایت کرده است؛ یعنی آنها فعال تر شده‌اند و سعی می‌کنند که در عرصه‌های اجتماعی بروز و نمود بیشتری داشته باشند و گاهی از مواقع دیده می‌شود که مواضعی را هم در ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله ناهنجاری اخلاقی داشتند. گواه آن این است که کاردینال‌ها و اسقف‌ها و حتی پاپ این مواضع را داشتند و خوب طبیعتاً این جنبش و حرکت فراگیر در دنیای اسلام در کشورهای اروپایی و آمریکایی، از لحاظ کمی و کیفی در مسلمانان تأثیر گذاشته است. از لحاظ کمی ببینید تعداد مسلمانان در مقایسه با گذشته افزایش یافته است. البته من الان نمی‌توانم آمار دقیقی به شما ارائه بدهم، ولی مثلاً در اروپا می‌توان گفت از ۲۵ میلیون تا ۳۵ میلیون نفر رسیده که به نظر من آن چیزی که مشاهده می‌شود، بیش از این تعداد مسلمان هست و این خودش می‌تواند یک حرکت مهم در بین مسلمانان اروپا ایجاد کند. در بعضی از کشورها درصد مسلمانان به حدی است که در معادلات اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار هستند؛ از سوی دیگر زادوولد می‌کند که در بین مسلمانان هست، این جمعیت روز به روز بیشتر می‌شود. در میان غربی‌ها از جمله فمینیسم باعث شده که اینها بیشتر صاحب فرزند شوند، در بعضی از کشورها حتی نمایندگانی از مسلمانان در مجلس حضور پیدا کردند و آنها هم تأثیر دارند. حتی من وقتی در اتریش بودم حضور مسلمانان را در پارلمان و تأثیرگذاری آنها را دیدم. در



به مباحث جدیدی که الان در اروپا مطرح است از قبیل اسلام اروپایی اشاره نمودید که یک واژه جدید است و بین مهاجران اولیه به اروپا و نسل جدیدی که در اروپا متولد شده‌اند، تفاوت‌هایی وجود دارد، از جمله فرهنگ و زبان اروپایی که به فرمایش حضرت تعالی علی‌رغم اینکه می‌تواند خودش یک فرصت خوبی برای ما باشد، اما یک گسست نسلی و تفاوت را می‌تواند در جامعه بین نسل قدیم و نسل جدید دامن بزند. در خصوص این مباحث چه تدابیری اندیشیده شده که بتوان این مشکل را حل کرد؟

این بحث مهمی است. امروزه در خیلی از مجالس و مجامع به طور جدی بحث intergration یا همسان‌سازی مطرح است. افراد در آنجا به عنوان یک شهروند باید با فرهنگ و آداب آنجا زندگی کنند و ممکن است هویت دینی و اسلامی خودشان را هم از دست بدهند. چون باید هم با خدا و معنویات و تجربیات شخصی خودش پایبند باشد و در عین حال، در جامعه اروپایی زندگی کند و شرایط جامعه اروپایی را بپذیرد. بنابراین این بحث به طور جدی مطرح است و تشکل‌های زیادی متولی و متصدی این امر هستند که این مسئله را جا بیندازند. رسانه‌ها نیز در این خصوص تلاش زیادی می‌کنند. ذکر چند نکته در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه، همان طوری که اشاره شد، بچه‌هایی که در آنجا متولد شده‌اند با مدارس آنجا ارتباط برقرار کردند و ناخودآگاه طی ۱۰ تا ۱۲ سال، یک نوع فرهنگ از طرف آنها القا می‌شود و بعضی از آنها هم در دانشگاه حضور پیدا می‌کنند، بنابراین مسئولیت دانشمندان ایرانی بیشتر می‌شود؛ چون باید بتوانند واقعاً اسلام را در آنجا درست معرفی کنند اسلام در آنجا جنبه فردی پیدا نکند و این مهم است. باید با ارتباطی که علما و دانشمندان با این نسل برقرار می‌کنند، بتوانند جامعیت اسلام را با منطق و استدلال بفهمانند. من همیشه به دوستان تأکید می‌کنم پنج نکته در اسلام که از شاخصه‌های اصلی است، باید خیلی مدنظر قرار بدهیم: عقلانیت، عدالت، آزادی، معنویت و امنیت. که هر کدام ظرافت‌های خاص خودش را دارد. این طور نیست که همیشه مباحثی که مطرح می‌کنیم، به شکل سنتی به آن پرداخته شود و انتظار داشته باشیم که تأثیرگذار باشد. نه اینجا، هم تحلیل می‌خواهد و هم تطبیق؛ بتوانیم همان مباحث را تطبیق و به روز و کارآمد کنیم و آن را روزآمد کنیم که بتواند تأثیر امروزی در جامعه ما بگذارد. تدبیرش هم این است که آنهایی که در اینجا تربیت می‌شوند و به عنوان مبلغ به اروپا اعزام می‌شوند باید مسلح به چنین سلاحی بشوند که درکشان از اسلام یک درک جامع باشد. نکته دوم اینکه، یکی دیگر از آسیب‌های جدی که این نوع تفکر و نگرش می‌تواند به وجود آورد، این است که شریعت و احکام اسلامی خدشه بخورد و صدمه ببیند، یعنی ما اسلام را که مجموعه‌ای از احکام، اخلاق و عقاید می‌باشد، به طور ناقص معرفی کنیم. ما باید هویت دینی و اسلامی خودمان را به جمود توجه قرار دهیم؛ زیرا مطرح کردن هویت دینی در جوامع مختلف می‌تواند مؤثر باشد. ما در آنجا به عنوان یک شهروند زندگی می‌کنیم، ولی معتقدیم که هویت دینی و اسلامی خودمان را باید حفظ کنیم؛ یعنی حجاب باید حفظ بشود و احترام به قوانین هم همین طور. علما همه تأیید می‌کنند که به قوانین مدنی و امثال اینها، باید احترام گذاشته شود، ولی این به معنای آن نیست که یک مسلمان اگر در یک کشور اروپایی زندگی می‌کند، تخلف بر علیه قانون بکند ولی هویت خودش را باید حفظ کند و این در واقع قابل جمع است. پس در این صورت، یک بخشی از کار مربوط به نوع ترتیبی است که در اینجا نسبت به کسانی که اعزام می‌شوند صورت می‌گیرد؛ چون یک بحثی را که به نظر من کمتر به آن توجه می‌کنیم، بعضی‌ها کاملاً آشنا به فضای واقعی و ادبیات حاکم بر غرب نیستند، مثلاً ما داریم کسانی را که منبر می‌روند، همین مباحثی را که اینجا مطرح می‌کنند، به همان شکل در آنجا مطرح می‌کنند و غافل از آنکه آنجا یک ادبیات خاص خودش را

دارد و یا مثلاً تمام شکل برخورد و ادبیات رفتاری که در اینجا دارد، در آنجا هم ادبیات رفتاری خاص خودش را دارد. مثلاً آنجا ارتباط برقرار کردن باید خیلی صمیمی‌تر از ارتباطی باشد که در اینجا هست؛ چون یک ارتباط صمیمی و چهره به چهره زمینه را فراهم می‌کند تا آنها سوالات خودشان را از شما بپرسند. نکته دیگری که خیلی مهم است، این است که ما بحث جامعیت را در شبکه اینترنتی و سایت‌ها خیلی باید جدی بگیریم و برای معرفی کردن اسلام راه‌های ارتباطی که در غرب به راحتی قابل دسترسی هستند را باید با دقت کافی در نظر داشته باشیم و به بعضی مسائل سطحی صرفاً روایتی و بدون تحلیل جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی نپردازیم، بلکه اگر روایتی هم می‌خواهد در آنجا تبیین شود؛ با نگاه جامعه‌شناسی و نگاه روان‌شناسی و نگاه اخلاقی و نگاه سازندگی، به عنوان عناصر تشکیل دهنده شخصیتی انسان نگاه شود. لذا ما معتقد هستیم که اسلام را باید در اروپا با ادبیات خودش معرفی کرد. البته بعضی‌ها می‌خواهند واژه اسلام اروپایی را یک طوری مطرح و تفسیر کنند که به اصطلاح قابل پذیرش باشد؛ وقتی می‌گوییم اسلام اروپایی، یعنی اسلام با ادبیات و فرهنگ و آداب و سنن اروپایی. وقتی بحث اسلام اروپایی را مطرح می‌کنیم، با اسلام ایرانی با ادبیات و فرهنگ ایرانی و با اسلام آفریقایی با ادبیات و فرهنگ آفریقایی متفاوت است. لذا می‌خواهند یک معنای این گونه‌ای را نسبت به این مطرح بکنند. من فکر می‌کنم این یک مقدار آسیب به مفاهیم می‌زند و اسلام در ایران و عراق و اروپا و جاهای دیگر یک حقیقت است، منتها اسلام را وقتی می‌خواهیم تبیین کنیم باید، آن شرایط لازمی که در هر کشوری هست، مورد توجه قرار بگیرد. اگر مجموعه شرایط جمع شود، نتایج این مجموعه شرایط، یک نتیجه برای اسلام در اروپا و اسلام در آمریکا و آفریقا خواهد بود.

اصولاً در اروپا چند نخله و گرایش شیعی وجود دارد؟ مثلاً آیا اسماعیلیه، زیدیه فعال هستند؟ آیا در آلمان شیعه دوازده امامی وجود دارد و ارتباط و همبستگی میان آنها چگونه است؟ لطفاً توضیحاتی را بفرمایید.

البته من در مورد تک‌تک کشورهای اروپایی نمی‌توانم پاسخ

سؤال شما را بدهم، اما در خصوص آلمان و اتریش همین قدر می‌توانم بگویم که ۹۹ درصد شیعه دوازده امامی هستند و احیاناً بخشی نیز اسماعیلیه و زیدیه هستند که بسیار نادر هستند و اصلاً قابل طرح نیستند. در آلمان بیش از ۲۰۰۰ مرکز داریم، البته این آمار، کل مراکز اعم از کوچک و بزرگ، ۱۰۰ متری، ۵۰ متری تا ۳۲ هزار متری را شامل می‌شود و حدود ۱۵۰ مرکز شیعه هست و تقریباً می‌شود گفت که بسیاری از آنها فعال هستند؛ حالا بعضی از آنها فعالیتشان چشم گیر و تأثیرگذاری آنها بیشتر است. همه اینها به نوعی با مرکز اسلامی هامبورگ در تماس هستند و مرکز اسلامی هامبورگ یک محوریت نسبت به اینها دارد، دلیل آن هم شاید ارتباط با مرجعیت اعلای شیعه باشد؛ چون اصلاً بنای مراکز اسلامی با موافقت مرجعیت شیعه بود و در اسانامه هم قید شده که کسی که در آنجا به عنوان امام مرکز باشد، باید از مرجعیت اعلای شیعه نمایندگی داشته باشد؛ البته در مرکز اسلامی هامبورگ نمایندگی مرجعیت شیعه نیز هست، ولی نمایندگی مرجعیت اعلای شیعه در رأس خواهد بود که زمانی مرحوم آیت‌الله بروجردی بوده، بعد آیت‌الله میلانی مدت خیلی کوتاهی بوده و بعد مرحوم آیت‌الله خوانساری بودند، ولی آنها خیلی کوتاه بودند تا امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان مرجع دینی. بنابراین یکی از دلایلی که این محوریت برای این مرکز ایجاد شده به خاطر ارتباط با مرجعیت است و این یک نکته مهمی است و لذا به نوعی بقیه، با این مرکز ارتباط دارند. وقتی که بحث اتحادیه شیعیان در آلمان شروع شد، حرکت آن از این مرکز بود. در جلساتی سالانه، همه مراکز در اینجا جمع می‌شوند، علمای شیعه هم در اینجا اجلاس دارند. از وقتی که به مرکز اسلامی هامبورگ رفته مشاهده می‌کنم به غیر از این مرکز، بعضی از مراکز دیگر هم به صورت خودجوش فعالیت می‌کنند و برای خودش جای تهیه کرده‌اند. یا به صورت استیجاری یا خریده‌اند و این زمینه را فراهم کردند و همین طور در حال گسترش است. در بعضی ایام فعالیت این مراکز بسیار وسیع خواهد بود، ولی در طول هفته کلاس‌های قرآن، تفسیر و دعا دارند، خیلی از جاها نماز جمعه دارند و البته امام جمعه به یک طریقی باید مورد تأیید نماینده مرجعیت اعلای شیعه باشد و اینها خودش ملزم هستند این تأییدیه را

اشاره کردید، این یک امر ضروری است و این حرکت صورت گرفته، البته نه توسط همه مراکز و مؤسسات شیعه‌شناسی، یا آنهایی که دغدغه مسائل شیعه را دارند، ولی این اتفاق آنجا افتاده، علت هم این است که مراکز به شکل انذار و تبشیری کفایت نمی‌کنند و بالاخره باید مراکز آکادمیک هم باشد و دوره‌های تحصیلی داشته و گواهینامه و مدرک بدهند. خود مرکز درصدد است که این دوره‌ها را به صورت جدی‌تر از گذشته برگزار کند و مدارک تحصیلی هم باید برای کسانی که این دوره را می‌گذرانند داده شود. ما طرحی تهیه کرده‌ایم و در آن طرح پیش بینی کردیم که کسانی که این دوره‌ها را یعنی همان بحث اسلام‌شناسی (نه به شکل کاملاً حوزوی) را می‌گذرانند، مدرک بدهیم. آموزش صرفاً حوزوی در خارج پاسخگو نیست و ما در این طرح پیش‌بینی کردیم که مباحث حوزوی را به شکل آکادمیک مطرح کنیم. به نظر من اگر این دوره‌ها در آنجا فراهم شود، تأثیر بسیار خوبی را در مجموعه این کشور خواهد گذاشت؛ چون این افراد آموزش دیده به عنوان مبلغ به مراکز مختلف می‌روند و تأثیرات خوبی را بر جای خواهند گذاشت، ولی آنچه که بسیار مهم است و از دغدغه‌های ماست، این است که برای این امر باید اقدامات جدی‌تری صورت بگیرد. من معتقد هستم اولاً ما باید تعامل بین مراکز علمی شرق و غرب بیشتر شود تا حضور نخبگان و دانشمندان در غرب بیشتر شود و حتی معتمد که برخی از دوستان، باید در مراکز غرب حضور پیدا کنند تا ضمن تحصیل در مقاطع بالاتر، مسائل اسلام را تبلیغ کنند و خود به خود از این افراد در رسانه‌ها، در پرسش و پاسخ‌ها و در خود همان مجموعه دانشگاهی استفاده می‌کنند. بنابراین ما هیچ شکی در این زمینه نداریم و تلاش می‌کنیم مبلغانی را با این نگاه و رویکرد تربیت بکنیم.

نکته دیگر این است که مرکزی همچون جامعه المصطفی العالمية نسبت به اروپا باید اهتمام بیشتری داشته باشند. و افرادی که به عنوان مبلغ به اروپا اعزام می‌شوند از لحاظ کیفی و محتوایی، مقاطع تحصیلی بالاتر طی کرده باشند و اعزام این افراد به محرم و صفر خلاصه نشود. با این رویکرد می‌توان اسلام عقلانی را با یک پشتوانه قوی معنوی به بشریت معرفی کرد تا معنای آزادی به معنای واقعی کلمه مطرح شود. یعنی با این نگاه علمی می‌توان اسلام را به دنیا معرفی کرد. یکی از دغدغه‌های مرکز اسلامی هامبورگ همین است. البته اینکه تا چه حد موفق شده، باید به نیم قرن فعالیت این مرکز، نمره دهیم، ولی باید بیشتر کار می‌شد، گرچه در غرب محدودیت‌هایی هم بخصوص نسبت به مراکز مرتبط با جمهوری اسلامی کم و بیش وجود دارد، یعنی نمی‌گذارند علما و فرهیختگان به راحتی ویزا بگیرند؛ چه ویزای توریستی و چه ویزای اقامتی، که بتوانند آنجا یکی دو سالی حضور داشته باشند، الان خیلی سخت‌گیری‌ها بیشتر شده است، ولی به نظر من باید این اتفاق صورت بگیرد و از آن حالت به حالت آکادمیک و علمی بیشتر روی بیاوریم.

مرکز اسلامی هامبورگ به عنوان یک مؤسسه شناخته شده تا چه حد توانسته است این طرحی را که اشاره فرمودید، یعنی مطرح شدن در مجامع آکادمیک را تحت پوشش قرار بدهد و بسترسازی کند. به عنوان مثال اگر افرادی تحصیل کرده پیرامون اسلام و شیعه سؤالاتی داشته باشند، این مرکز چقدر می‌تواند مورد توجه این قشر باشد؟

مرکز اسلامی هامبورگ در بخش‌های مختلفی فعالیت می‌کند، یکی از بخش‌هایی که مربوط به سؤال جناب‌عالی می‌باشد، سایت علمی این مرکز است که پاسخ‌گوی سؤالات فکری و دینی شیعیان می‌باشد. ما در اروپا سایت علمی که بتواند پاسخگوی نیازهای افراد باشد، همانند سایت مرکز علمی اسلامی نداریم، ما هر هفته از شهرهای مختلف آلمان و حتی اروپا سؤالات را دریافت می‌کنیم و پاسخ آنها هم از طریق ایمیل داده می‌شود، حدوداً روزانه به طور متوسط هزار نفر به سایت مراجعه می‌کنند، تصور من این است که اگر سایت را در



با حرکت‌های شیعی نه فقط در سطح آلمان، بلکه در سطح اروپا خواهیم بود. از حرکت‌های جالبی که رخ داده و من به بعضی از مراجع عرض کردم و برای آنها خیلی جالب بود، بحث اعتکاف بوده است. چند سالی است که بحث اعتکاف در خود مرکز اسلامی هامبورگ اجرا می‌شود. شما می‌دانید که مسجد در مرکز اسلامی هامبورگ مسجد جامع است، یعنی آن تعریفی که فقهاء برای مسجد دارند، آنجا معنا پیدا می‌کند. مرکز اسلامی هامبورگ از چند بخش تشکیل شده است از جمله سالن کنفرانس با ترجمه هم زمان، ششستان‌های کوچک و خود مسجد که یک زمینه و شرایط خوبی را می‌تواند فراهم بکند. امسال در اعتکاف بیش از ۲۰۰ نفر شرکت کردند که ۸۰ درصد آن جوانان بودند. از مسیرهای بسیار دور، مثلاً از ۸۰۰ کیلومتری می‌آمدند و می‌خواهند این سه روز استفاده معنوی داشته باشند و بسیار هم زیبا بود. یعنی وقتی که شما نگاه می‌کردید این فضای ۷۰ الی ۸۰ نفره را شامل جوانان شیعه علاقه مند به مرجعیت و مکتب ولایت، می‌دیدید که چقدر خودشان را برای حرکت‌ها و برای تحقق شیعه در دنیا مهیا کردند و در آنجا حضور پیدا می‌کنند. مثلاً اگر ما این نوع جلسات را در مرکز داشته باشیم و ۳۰۰ نفر دعوت کنیم ۲۷۰ الی ۲۸۰ نفر می‌آیند آنهایی هم که نمی‌آیند احتمالاً یک عذری دارند، ایام تحصیلی بوده یا ایام امتحانات بوده و بعد است که در جلسات حضور پیدا نکنند. این هم از آن برنامه‌های مبارکی بوده که انجام شده است. البته در خصوص با مرکز من یک اشاراتی را خواهم داشت چون جالب است که در مورد مرکز یک اطلاعاتی را داشته باشیم.

فکر می‌کنید چقدر مرکز اسلامی هامبورگ یا نماینده مرجعیت شیعی یا کمی گسترده‌تر، نهادها و مؤسسات شیعی در آلمان به فکر مؤسسات آکادمیکی می‌افتند که تحصیلات جوانان نشان از آن طریق باشد؟ آیا این اتفاق افتاده یا در حال اتفاق افتادن است؟

الحمدلله در کل اروپا در بعضی از کشورها چنین اتفاقی افتاده است. ما یک مرکز آکادمیک وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ داریم و یک انستیتوی مربوط به آموزش مبلغان داریم و خوب این، در آنجا تحقق پیدا کرده است. همان طور که شما

بگیرند که حتماً باید امامی که در آنجا نماز می‌خواند از طرف نمایندگی مرجعیت اعلای شیعه باشد و خود همین یک نوع ارتباط ولایت امری را در دنیای غرب مطرح می‌کند، چون بحث بسیار مهمی است و در بعضی از کشورها، مثل فرانسه، اتریش و تا حدی انگلیس هم دارد این اتفاق می‌افتد؛ انگلیس مشکلات خاص خودش را دارد که آن را می‌توانید با دوستانی که در آنجا هستند مصاحبه‌ای داشته باشید. نوع فعالیت‌هایی که شیعیان انجام می‌دهند مختلف است که بخشی از آن همین برنامه‌های هفتگی شان است، یک بخش هم سمینارها و کنفرانس‌هاست؛ مثلاً ترک‌های شیعه در آلمان در طول سال، ۵-۶ کنفرانس پرجمعیت و پرطرفدار مثل کنفرانس عاشورا دارند که از ۸ تا ۱۰ هزار در آن شرکت می‌کنند، کنفرانس اربعین که من این دفعه سخنران آن بودم، جمعیت بسیار خوبی شرکت کرده بود. از این نوع کنفرانس و سمینار زیاد هست. بعضی از مراکز یک سری دوره‌های آموزشی دارند که در سال یک بار برگزار می‌کنند. این نوع سمینارهای شیعه در آنجا زیاد است، علمایی هم دعوت می‌شوند، البته ما برای اینکه از این جلسات بیشتر استفاده را ببریم، باید کیفیت آن را ارتقاء دهیم تا افراد بتوانند سؤالات و مسائلی را که هست مطرح کنند. در بعضی از جلسات که من حضور پیدا کردم، الحمدلله دیدم جوانان سؤالات خوبی دارند و علاقه مند هستند که دوره‌های آموزشی برایشان گذاشته شود و می‌خواهند اسلام را دقیق‌تر و عمیق‌تر و جامع‌تر یاد بگیرند و بفهمند. ما به اینها وعده داده‌ایم که بالاخره این دوره‌های آموزشی را در مرکز اسلامی هامبورگ ان شاءالله از این به بعد داشته باشیم. به نظر من فعالیت‌های شیعه در آلمان خوب است از لحاظ کیفی ما به دنبال این هستیم روحانیانی که می‌آیند اولاً خودشان یک نگاه عمیق نسبت به اسلام داشته باشند و بعد بتوانند این نگاه را به دیگران منتقل کنند. امسال ما یک کار جدیدی انجام دادیم و حدوداً ۱۶-۱۷ مبلغ اعزام کردیم. البته همه این مراکز در محرم و صفر مبلغ می‌آورد ولی ما اعزام کردیم و با استقبال بسیار خوبی هم مواجه شد و الان درصدد حضور شرکت‌کنندگان در مجالس، بخصوص مجالس مهم هستیم که روز به روز در حال افزایش است و می‌توانیم بگویم که ان شاءالله به فضل الهی در آینده ما مواجه

بخش های مختلف فعال تر کنیم در ۲-۳ سال آینده می توانیم به روزی سه هزار نفر هم برسانیم. پیش بینی ما این است که این کار صورت بگیرد تقریباً یک مقداری فعالیت شده است. این نوع ارتباط الان به این شکل دایره است. شکل دیگر این است که تقاضا شود، یعنی یک سری سؤالات مطرح بشود؛ چون مرکز اسلامی هامبورگ یک مرکز معروف در آلمان هست، حتی فضای مرکز به عنوان میراث فرهنگی کشور آلمان شناخته شده و در بروشورهای توریستی که خودشان ارائه می دهند، عکس گنبد و مناره های مسجد امام علی (ع) گذاشته شده و روزهای شنبه و یکشنبه گاهی از مواقع می بینید ۵۰۰ نفر یا بیشتر و یا بعضی از ایامی که حضور توریست در آنجا بیشتر است، آنجا مراجعه می کنند و مسجد را می بینند و ما هم مستندی تهیه کردیم و یک سری راهنما هستند آنها را راهنمایی می کنند. (این فضا یک فضای تعریف شده در خود آلمان است و لذا تغییرات بیرونی به هیچ وجه ممکن نیست. شما می دانید که در اروپا فضاهای بیرونی اماکنی که این شرایط را داشته باشند را نمی توان تغییر داد، البته در بسیاری از کشورها نماهای بیرونی را اصلاً نمی شود تغییر داد و فقط تغییر داخلی ممکن است) و لذا اصولاً خود به خود این مرکز، یک نوع اشتیاق دارد و این واقعاً یک فرصت است برای کسانی که آنجا زندگی می کنند. من یک روز که نماز جمعه را اقامه کردم، گفتند که یک نفر برای تشریف آمده و می خواهد که شما هم باشید. من از او سؤال کردم، شما در خصوص اسلام چقدر مطالعه کردید؟ اگر اجازه بدهید من یک مقدار در مورد اسلام با شما صحبت بکنم که این تشریف با آگاهی صورت بگیرد. گفت نه من مدت هاست که دارم اسلام را مطالعه می کنم و تحقیق می کنم. الان یادم نیست، گفت: لاقلاً ۶ ماه تا ۱ سال تحقیق کردم و قرآن را کامل خواندم، کتاب های مختلف را مطالعه کردم. من فکر می کنم که قرآن می تواند پاسخ گوی سؤالات من باشد. گفتم چرا اینجا را انتخاب کردید؟ گفت: من مراجعه به سایت کردم، اینجا را به من معرفی کردند. بنابراین حتی کسانی که مسلمان می خواهند بشوند به اینجا می آیند، چون ما بحث تشریف را در مرکز اسلامی داریم و خود به خود یک محوریت این چنینی هم پیدا کرده است. این شکل دوم کار است که درخواست می کنند و به اینجا می آیند. الان ما هر هفته روزهای شنبه، ۲ جلسه کلاس اسلامی شناسی به زبان آلمانی داریم که ۳۰-۴۰ سال است که برقرار است، آنهایی هم که حتی مسلمان نیستند می آیند و در این جلسات شرکت می کنند. این را هم ما داریم تقویت می کنیم و هر هفته این افراد در یک فضای آکادمیک که کلاس هم در اختیارشان گذاشته می شود، شرکت می کنند. شکل دیگر کار این است که معمولاً اگر سمینارهایی پیرامون اسلام برگزار شود، یکی از کسانی که برای ارائه مباحث در آن جلسه، دعوت می شود از مرکز اسلامی است؛ حتی در بحث های غیراسلامی. مثلاً آموزش و پرورش آنجا برای تغییر نظام آموزشی گروهی تشکیل دادند و من یک بار در جلسه آنها شرکت کردم و دو بار هم نماینده برای آنجا فرستادیم و در آنجا از مرکز هم اظهار نظر می خواهند. یک شکل دیگر این است که چنانچه سؤالاتی توسط دانشمندان مطرح شود، یکی از سه جایی که قطعاً پاسخ سؤالات داده می شود، مرکز اسلامی هامبورگ است، یعنی سؤالات خودشان را به صورت کتبی مطرح می کنند و پاسخ های خودشان را دریافت می کنند. از جمله جاهایی که ما می توانیم در آن حرف بزنیم مجمع ادیان است. پروتستان، کاتولیک، یهود و بودا همه آنجا حضور دارند، از مسلمانان هم دو نفر حضور دارند، یکی از اهل سنت و یکی از شیعه که بنده به نمایندگی از شیعه حضور دارم. در یکی از بحث هایی که بنده حضور پیدا کردم، دفاع از حقوق اسلام و مباحث مجازات و غیره را آنجا مطرح کردیم. البته این جلسه ۶ ماه یک بار است و یک جلسه مهم است؛ الان تعداد مسلمانان آلمان در حدود شش میلیون نفر تخمین می زنند که از این تعداد ۳۱۰ هزار نفر در ایالت هامبورگ هستند. ایالت هامبورگ از ایالت های فرهنگی کشور آلمان است، به لحاظ زبان هم فصیح ترین گویش زبان



آلمانی بعد از شهر هانوفر است. بنابراین در خود هامبورگ ارتباط به این شکل است که بعضی از دانشگاه ها و فضاهای دیگر می آیند و درخواست می کنند که دعوت نامه های آنها هم موجود است. گاهی اوقات تقاضاها از شهرهای دیگر است و ما فرصت نداریم که برویم و چنانچه ما چند تا روحانی فاضل می داشتیم، می توانستیم در همه این مسائل مربوط به اسلام حضور پیدا بکنیم. البته بعضی از جاها که جنبه سیاسی دارد ممکن است از ما دعوت به عمل نیاید، مثلاً اگر جایی بحث نقد بر بعضی مفاهیم سیاسی یا ادبیات سیاسی ایران باشد ممکن است از ما دعوت نکنند، ولی بطور واقع می گویم که مرکز اسلامی هامبورگ به لحاظ جایگاه، قوی ترین پایگاه علمی اسلامی در آلمان شناخته شده است.

مسجد هامبورگ حدوداً در دهه چهل و در زمان آیت الله بروجردی ساخته شده است، آیا تاکنون بنای توسعه مسجد مطرح است یا خیر؟

در سال ۲۰۰۰ در مقابل مسجد یک مرکز آکادمیک تأسیس شده است که یک ساختمان با زیربنای مجموعاً بیش از هزار متر است، بخش دیگر آن در حال ترمیم است. بر اساس پیش بینی سابق، فضای فعلی پاسخ گوی جلسات هفتگی است، اما اگر بخواهیم دوره های آموزشی داشته باشیم، نیاز به یک فضای دیگر است.

با توجه به وجود پتانسیلی که در آلمان اشاره کردید، برای اینکه بخواهیم اسلام را در جامعه اروپایی معرفی کنیم، باید از نخبگان کشور خودمان یا حتی کسانی که سال هاست در آنجا زندگی می کنند و گرایش مذهبی دارند، استفاده کنیم، مراکز مرتبط با این امر تا چه حد توانسته اند افرادی با چنین خصوصیات را جذب کنند؟ با توجه به همبستگی زبان فارسی و فرهنگ شیعی، تا چه حد توانسته ایم کرسی های زبان فارسی را فعال تر کنیم و زمینه را برای فرهنگی شیعی مهیا کنیم؟

در بحث زبان فارسی، به لحاظ نوع فعالیت، این کار به رایزنی فرهنگی و آگادار شده است. البته در بعضی از مراکز مرتبط ما، خود به خود یک سری دوستان هستند، بدون اینکه توقع مالی داشته باشند، این کار را انجام می دهند که بحث زبان

فارسی را آنجا گسترش بدهند. در خود مرکز پیشنهاد شده، ولی تاکنون عملی ولی اینکه آلمانی هایی باشند که بیایند ارتباط برقرار کنند، حتی آنهایی که شیعه نشده اند به شکل های مختلف این علاقه به صورت جدی وجود دارد که ارتباط برقرار کنند. من نمونه هایی را عرض می کنم. مثلاً من برای کاری پیش یک پزشک رفتم. وقتی معرفی کردم که من آنجا هستم. گفت: آقا من خیلی علاقه مند هستم که آنجا بیایم و برای من توضیحاتی را بدهید. یا مثلاً یکی از دوستان دانشجوی ما در کلاس درسش می گفت که در اینجا مرکزی است و اساتیدشان استقبال کردند که در فضای مرکز با فضای ایرانی و ادبیات فارسی آشنا شوند و حدود ۲۵ نفر از اساتیدشان از دانشگاه ها هامبورگ آمده بودند و حدوداً دو ساعت بازدید کردند و بسیار هم متأثر شدند. یعنی بحمدالله این زمینه در آنجا وجود دارد و ما سعی کردیم مباحثی را که مطرح می کنیم خیلی شفاف باشد، و الحمدلله مورد استقبال هم قرار گرفته است و اکنون حتی خیلی از غیرمسلمانان علاقمند به برقراری ارتباط با مرکز اسلامی هستند، یا خیلی از نخبه های خودمان. ما جلساتی با پزشکان یا مهندسان داریم که این برنامه ریزی ها در گذشته صورت گرفته و این ظرفیت وجود دارد. منتها الان ما دنبال نیرو هستیم که بخشی از کارهای وقت گیر را آنها انجام بدهند و امیدوار هستیم که ان شاء الله خدا کمک کند در آینده یک چنین زمینه هایی فراهم بشود.

با تشکر از شما خواهشمند است در پایان اگر مطلبی بوده که ذکر نشد، خواهشمندیم بفرمایید.

من در آخر یک اشاره به فعالیت های مرکز اسلامی هامبورگ داشته باشم. مرکز اسلامی هامبورگ در سه بخش فعالیت می کند: یک بخش مربوط به ایرانیان است. به هر حال، بیش از دویست هزار ایرانی در آلمان حضور دارند که در اروپا بیشترین جمعیت ایرانی در آلمان متمرکز است. بعد از آن مطمئن نیستیم که در انگلستان است یا سوئد. یک بخش هم همین برنامه های شب جمعه، دعای توسل شب های چهارشنبه، دعای کمیل، تفسیر نهج البلاغه، نماز جمعه که البته در نماز جمعه از ملیت های مختلف شرکت می کنند و یک نماز جمعه جا افتاده و وحدت آفرین است. جلسات مناسبت های طول سال یعنی محرم و صفر و اعیاد نیز برقرار است که مثلاً امسال در روز عاشورا تقریباً سه هزار نفر آمده بودند و استفاده می کردند. دانشجویانی بودند که از فاصله صد کیلومتری آمده بودند تا در مراسم تاسوعا و عاشورا شرکت کنند و حتی شب ها را آنجا می خوابیدند. در مجالس مختلف، معمولاً از پانصد نفری ۱۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰ نفر شرکت می کنند. برنامه های آموزشی هم روزهای شنبه و دوشنبه در بخش های زبان عربی و آلمانی وجود دارد، در بعضی از شب ها کلاس هایی را هم برای جوانان داریم. در صد این هستیم که بالاخره دیانت بچه ها بخصوص جوانان، حفظ شود، اسلام به درستی به آنها معرفی شود. الحمدلله تعامل خوبی با سایر مسلمانان و اهل سنت داریم هم در آلمان و هم در غیر آلمان، این تعامل بسیار تعامل مبارکی است و یکی از کارهای دیگر، گفتمان با دانشمندان که بیشتر دانشمندان مسیحی است که آنها هم از این مباحث استقبال می کنند. ازدواج و طلاق، مشاوره، پاسخ های از طریق ایمیل و مشاوره های خانوادگی، مسائل روزانه، جماعت و برنامه های این گونه ای آنجا دایره و فعال است. در صدد هستیم که دوره های آموزش اسلام را در همین دو سه ماه آینده، جزء برنامه های خودمان قرار بدهیم. من فکر می کنم با این استقبالی که در مراکز هست، از این دوره های آموزشی هم استقبال خوبی بشود، البته سرکشی به مراکز و بعضی از کنفرانس ها هم جزو برنامه های مرکز اسلامی هامبورگ می باشد. امیدواریم که ان شاء الله در آینده زمینه هایی را فراهم کنیم که دوستان فاضل و اندیشمندی به اینجا بیایند؛ بدون شک با حضور این دوستان، زمینه علمی یک تحول علمی، دینی معنوی فراهم می شود.